

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنګ راد

۱۴ مارچ ۲۰۱۳

راه اندازی جنگ و تنش، سیاست کنونی امپریالیست ها

بیش از دو دهه است که مسیر تخریبی جهان بُعد دیگری به خود گرفته است، مسیری که علل اصلی آن به سیاست سودجویانه سرمایه و کشمکش های درونی قدرت مداران بزرگ جهانی بر سر سهم بری هر چه بیش تر از یکسو، و به نارضایتی و اوضاع بد اقتصادی میلیاردها انسان محروم از سوی دیگر بر می گردد.

به عبارتی روشن تر می توان اشاره نمود که روز و روزگاری چپ در عرصه بین المللی، حاکمان زورگو را به مصاف جدی می طلبید و به تبع آن جهان شاهد رشد جنبش های اعتراضی و انقلابات کارگری – توده ای بوده است و امروزه، به دلیل فقدان چپ سازمان یافته و تحول گرا، استثمارگران در حال تعرض هر چه بیش تر به معیشت کارگران و زحمت کشان در سطح جهانی اند؛ روز و روزگاری تضادهای امپریالیستی منجر به جنگ های کاملی همچون جنگ های جهانی اول و دوم می گردید و این روزها، به دلیل رشد تکنولوژی و به دلیل منفعت درازمدت تر سرمایه، در عرصه های محدودتر، دامان جوامع عقب مانده را می گیرد؛ روز و روزگاری منافع قدرت مداران بزرگ جهانی در ثبات مناطق سود ده بود و این روزها در پی ناامنی هر چه بیش تر این منطقه و آن منطقه اند؛ روز و روزگاری تنش های درون جوامع - یعنی فیمابین حاکمان و توده ها -، جهت دار و به نفع انقلابات و دیگر جنبش های رادیکال بود و این روزها سمت و سوی آن در دست سرمایه داران و مدافعان شان می باشد؛ روز و روزگاری سرمایه فاقد کنترل و جهت دهی خیزش های مردمی بود و این روزها، جهان به دلیل یک قطبی شدن، مسیر خلاف آن را طی می کند.

متأسفانه دنیا، پای به چنین میدان ناخواسته میلیون ها انسان ندار گذاشته است و دامنه تخریبی آن، روز به روز گسترده و گسترده تر می گردد و سرمایه داران هم علی رغم بحران دائم التزایدشان و علی رغم جدل های درونی شان به منظور کنار زدن جناح های رقیب، در فکر کنترل خیزش های کارگری – توده ای اند. چپ بسیار ضعیف شده است و سرمایه داران هم بیش از اندازه هار شده اند و دیده ایم که چگونه پیش روئی های عنان گسیخته شان، منجر به قطع تمامی دست آوردهای مبارزاتی کارگران و زحمت کشان در اقصا نقاط دنیا گردیده است. به دنبال آن ها چفت و بست های اقتصادی هم تحت عنوان سیاست "ریاضت کشی" دامان تمامی جوامع بشری را در بر گرفته و بر سفره ناچیز محرومان، چنگ هر چه بیش تری انداخته است. بی گمان وجود چنین اوضاع در هم آشفته ای مبین این واقعیت است که بحران کنونی، راه در روئی ندارد و ابعاد تنگ تری به خود خواهد گرفت.

به روایتی دیگر تولید بیش از مصرف است و سرمایه های مملکت در دست اندک افراد متمرکز شده است و در مقابل اکثریت آحاد جوامع بشری توان تهیه ابتدائی ترین نیازهای زندگی را از دست داده اند. درب شغل ها و کارخانه ها

تولیدی - صنعتی را یکی پس از دیگری می‌بندند و میلیون‌ها انسان را به خیل بیکاران روانه می‌سازند. این خاصیت سرمایه‌داران است و چاره‌ای ندارند و رفع آن را با تعرض به تهمانده‌های کارگران و زحمت‌کشان جست و جو می‌کنند؛ تعویض‌ها و جابه‌جائی حکومت‌های وابسته و پرش از این سیاست به آن سیاست و همچنین توافق در، پشت درهای بسته هم جوابگو نیست. ترس‌شان چندگانه است و وحشت‌شان از رادیکالیزه شدن اعتراضات مردمی است. می‌دانند که جنبش‌های اعتراضی علی‌رغم فقدان جهت روشن و رهبری سالم، می‌تواند دمار از روزگارشان در آورد. می‌دانند که زبان توده و خواسته‌های خیابانی چیزی جز تقسیم ثروت جامعه، نابودی فقر و پائین کشیدن عناصر وابسته به سرمایه و آن‌هم با هر رنگ و لباسی در جوامع خودی نیست. چنین عکس‌العمل‌ها و نمادی را به‌عینه - و آن‌هم در یکی دو دهه اخیر به وضوح - مشاهده نموده‌اند. در حقیقت این بهیکی از دغدغه‌های اصلی قدرت‌مداران جهانی تبدیل گشته است و همه تلاش‌شان بر آن است تا مبادا روز و روزگاری جنس، رنگ و بوی جنبش، خلاف جنس، رنگ و بوی آنان را به‌خود گیرد. بی دلیل هم نیست که می‌کوشند تا با ایجاد تنش و با راه‌اندازی جنگ در این جامعه و آن جامعه، اعتراضات و خواسته‌های خیابانی را از مسیر اصلی خود منحرف سازند؛ بی دلیل هم نیست که با مسلح نمودن دار و دسته‌های مرتجع، جنگ علیه حکومتیان و دار و دسته‌های‌شان را سازمان می‌دهند، سیاستی که این‌روزها به سیاست روتین امپریالیست‌ها تبدیل گشته است و می‌خواهند جدا از پاسخ‌گویی به بحران ناعلاج‌شان، با ایجاد هرج و مرج هر چه بیش‌تر و با راه‌اندازی جنگ‌هایی از نوع افغانستان، عراق، لیبیا، سوریه و غیره، مانع رادیکالیزه شدن جنبش‌های اعتراضی کارگری - توده‌ئی گردند.

شکی در آن نیست که اگر چه این‌گونه جنگ‌ها برای میلیون‌ها انسان ندار مصیبت‌بار است؛ اما و در عوض، برای سودجویان و قدرت‌مداران بین‌المللی نعمت بزرگی است. فروش سلاح‌های رنگارنگ و مدرن، گشتار و تخریب خانه میلیون‌ها انسان زحمت‌کش و اماکن عمومی و غیره، و به‌دنباله آن انعقاد قراردادهای کلان اقتصادی به‌منظور بازسازی خرابی‌های‌شان توسط شرکت‌های غارت‌گر امپریالیستی، گویای این حقیقت است که سرمایه‌داران جهانی نیازشان در آن است تا در قالب سیاست‌هایی همچون "برقراری نظم نوین جهانی"، "خاورمیانه بزرگ" و "مبارزه" با دیکتاتورها، تقسیم مجدد دنیای کنونی را پی گیرند؛ سیاستی که بدون خون و خون‌ریزی میلیون‌ها انسان بی‌دفاع، و بدون لشکرکشی و تخریب زیرساخت‌های جوامع سودده ناممکن می‌باشد.

دنیا و به ویژه منطقه خاورمیانه در یکی دو دهه اخیر شاهد چنین سناریوی تلخی بوده است و کابوس جنگ و ناامنی‌های اقتصادی - سیاسی هم آن‌چنان، فضای جوامع عقب‌مانده را مسموم ساخته است که توضیح دقیق آن ساده نیست. در حقیقت جامعه‌ای را نمی‌توان در منطقه خاورمیانه سراغ داشت که از امنیت سیاسی - اقتصادی نسبی برای میلیون‌ها انسان محروم برخوردار باشد. فشارهای اقتصادی از یک‌طرف و سرکوب خشن اعتراضات مردمی توسط رژیم‌های وابسته و همچنین فضای حمله، لشکرکشی و راه‌اندازی جنگ‌های خانمان‌سوز امپریالیستی از طرف‌دیگر، آرامش اولیه را از مردم رنج‌دیده سلب نموده است؛ تنش و جنگ‌هایی که خواست توده‌ها نیست و در خدمت به تصفیه حساب‌های درونی سرمایه‌داران و قدرت‌مداران بزرگ جهانی است. جنگ‌هایی که نه تنها در خدمت به رهایی مردم از زیر سلطه سرمایه و دیکتاتورهای وابسته به آنان نیست بلکه بیان‌کننده منفعت درازمدت‌تر سرمایه‌داران جهانی و در به انحراف کشاندن اعتراضات کارگران و زحمت‌کشان و تخلیه روحیه آنان می‌باشد.

روشن است که خاصیت این‌گونه جنگ‌ها و تنش‌ها، تخریب هر چه بیش‌تر زندگانی محرومان است و از جانب مدافعان حقیقی رهایی کارگران و زحمت‌کشان از زیر سلطه سرمایه‌داران، رد شده است. چرا که مدافعان انقلاب بر این باوراند چنین جنگ‌هایی اصلاً و ابداً به درد مردم نمی‌خورد و مخرب است؛ چرا که دریافته‌اند فضای اعتراضی رادیکال کارگران و زحمت‌کشان را محدود و محدودتر نموده و مضافاً این‌که بر دامنه تجمعات اصیل خواهد کاست؛ به این دلیل

که میدان، به صحنه جنگ فیمابین دار و دسته‌های گوناگون امپریالیستی تبدیل گشته است و مهمتر از همه این‌ها به اثبات رسیده است که علی‌رغم کار بست خشونت و علی‌رغم رو در روئی و مخالفت با حاکمان و دیکتاتورها، فاقد محتوای سالم و انقلابی است. بر مبنای چنین حقایق تلخ و ناگواری است که کمونیست‌ها به سمت چنین تنش‌ها و جنگ‌هایی نخواهند رفت و تحت هیچ شرایطی مدافع و مبلغ جنگ‌های کور نیستند، ولی و در عوض، به دنبال جنگ هدفمند و جهت‌دار مردم با حامیان رنگارنگ سرمایه‌اند؛ به دنبال قهر انقلابی سازمانیافته و توده‌ئی و آن‌هم تحت رهبری کمونیستی‌اند. این آن سیاست تحول‌گرائی است که این‌روزها کمتر ما در جوامع بشری شاهد آنیم و بی همین دلیل هم نیست که سرمایه‌داران جهانی سیاست‌های تنش‌زای خود را بدون حضور و بدون دخالت‌گری‌های مستقیم کمونیست‌ها، در اقاصا نقاط دنیا به پیش می‌برند.

مارچ ۲۰۱۳